**تاثیر اقدامات گروه تروریستی داعش بر صلح در منطقه خاورمیانه**

**فاطمه خانی[[1]](#footnote-1)**

**چکیده**

**گروه های تروریستی در خاورمیانه از دوران شکل گیری در دهه1940 تا کنون، سه مرحله از حیات خود را پیموده اند. در دهه 1940، اغلب در قالب اقدامات واکنشی نسبت به رفتارهای خشونت بار و سرکوبگر حکومت ها بودند. دهه 1960 به سازماندهی خود پرداختند و برای سرنگونی رژیم های سیاسی اقدامات متعددی انجام دادند. از دهه 1980 شکل این گروه های تروریستی متفاوت شد. دامنه عمل و اقدامات آنها بسیار گسترده تر شد. مردم عادی و غیر نظامیان علاوه بر روسای حکومت ها، اهداف حملات تروریستی قرار گرفتند و سطح این اقدامات نیز از سطح یک کشور و یک منطقه به مرزهای بین المللی رسید تا جایی که در 11 سپتامبر 2001 توانست برج های دوقلوی آمریکا و سازمان تجارت جهانی را هدف خود قرار دهد؛ از سال 2013، یک گروه تروریستی- تکفیری با نام «داعش» برگرفته از اندیشه های سلفیونی چون ابن تیمیه، ابن حنبل و ابن القیم جوزی و اندیشه های وهابیون عربستان در منطقه خاورمیانه و بطور مشخص در سرزمین های عراق و سوریه بوجود آمد که ادعای خلافت اسلامی و حکومت اسلامی دارد. این گروه تروریستی صلح(به معنای ثبات و آرامش و همزیستی مسالمت آمیز و تلاش برای نیل به آن) را در سطح منطقه و جهان با چالش جدی روبرو کرده است. نمونه آن کشتار بی رحمانه مردم در عراق و سوریه، فرانسه، آلمان و ترکیه و... است. حال پژوهش حاضر با بهره گیری از روش گردآوری داده ها، مطالعات کتابخانه ای و تحلیل مسائل روز قصد دارد به این سئوال اصلی پاسخ دهد که اقدامات گروه تروریستی داعش بر صلح در منطقه خاورمیانه چه تاثیری داشته است؟ و این فرضیه را متصور می داند که اقدامات این گروه تروریستی تکفیری منجر به افزایش صلح در منطقه نشده است.**

**کلید واژه: داعش، صلح، خاورمیانه.**

**مقدمه**

**خاورمیانه، منطقه ای است که به دلیل وجود منابع نفتی و موقعیت استراتژیک خود دوران طولانی از استعمار و استثمار را تجربه کرده است. این نفوذ منجر به تشکیل مرزهای مصنوعی (که جنگ اول و دوم خلیج فارس را به دنبال داشت) آشوب های فرقه ای (در لبنان و افغانستان) جنگ های داخلی با حکومت های دیکتاتوری و مهم تر از همه اختلافات اسرائیل و فلسطین(از سال 1948 تا کنون) شده است. این منطقه همچنین شاهد ظهور و رشد پدیده اسلام گرایی افراطی بوده که صلح و امنیت را با چالش های بسیار زیادی روبرو کرده است و ظهور آن تا حدودی متاثر از نفوذ ایالات متحده آمریکا و به منظور مقابله با ارزش های ضداسلامی و حمایت از اسرائیلی ها و بیرون راندن فلسطینی ها از سرزمین شان بود. داعش را می توان متحجرترین جنبش تروریستی در خاورمیانه دانست چون خشونت و حرکت های تروریستی را از قالب خشونت های واکنشی و ایدئولوژیک به سطح خشونت های فرقه ای سوق داده است. خشونت هایی که دامنه مبارزاتی و اهداف آن در سطح محدود و خاصی نیست؛ بلکه به سطح جهانی و با برنامه ریزی و سازماندهی انجام می گیرد. هر چند که از دهه 80 مبحث صلح به دلیل هزینه بر بودن جنگ و بیهودگی آن و گسترش آگاهی عمومی، استفاده از اینترنت، ماهواره و ... توسط مردم، نقش بازیگران خارجی و سازمان های بین المللی خواهان صلح به افزایش تقاضا برای صلح در منطقه انجامید.؛ اما هنوز نتوانسته به اختلافات موجود در منطقه پایان دهد. ما در این مقاله به بررسی تاثیر اقدامات گروه تروریستی داعش بر صلح در منطقه خاورمیانه پرداخته ایم تا ببینیم آیا اتحاد و ائتلافی برای نابودی چنین گروهی که امنیت و صلح را تهدید می کند در منطقه شکل گرفته است یا خیر؟ و چنین خطری می تواند کشورهای منطقه را به سمت صلح و دوستی سوق دهد؟**

**این مقاله از سه فصل با عنوان «دولت اسلامی عراق و شامات(داعش)»، «خاورمیانه» و «صلح» تشکیل شده است. در فصل اول ضمن اشاره به بنیادگرایی اسلامی، به نحوه شکل گیری گروه تروریستی داعش و ظهور افراط گرایی در منطقه پرداختیم. در فصل دوم با عنوان«خاورمیانه» به مضلات کنونی خاورمیانه نگاهی اجمای داشته و زمینه های پیدایش افراط گرایی اسلامی در خاورمیانه را بررسی کردیم و اقدامات علیه داعش توط کشورهای (عراق، سوریه، ایران، مصر، ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، کشورهای حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی) پرداختیم و در نهایت در فصل آخر«مفهوم صلح» را بررسی کردیم، وضعیت کنونی صلح در خاورمیانه را مورد مطالعه قرار داده ایم.**

**این پژوهش در پاسخ به این سئوال اصلی تدوین شده است که اقدامات گروه تروریستی داعش بر صلح در منطقه خاورمیانه چه تاثیری داشته است؟ و این فرضیه را متصور می داند که اقدامات این گروه تروریستی تکفیری منجر به افزایش صلح در منطقه نشده است.**

**روش تحقیق:**

**روش تحقیق در این پژوهش، تبیین مسائل از طریق گردآوری داده ها با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی و تحلیل مسائل روز است.**

**1**

**دولت اسلامی عراق و شامات(داعش)**

**1-1**

 بنیاد گرایی اسلامی

**کلمه بنیاد گرایی، مشتق از کلمه Fundamental به معنای شالوده، اساس و پایه است. معادل این واژه در زبان عربی (الاصولیه) است که به معنای بازگشت به اصول و مبانی می باشد. این واژه مفهومی غربی است و برای نخستین بار در اوایل سده بیستم و در مباحث درون مذهبی پروتستان در آمریکا رواج یافت. بین سال های 1915-1910 پروتستان های کلیسای انجیلی مبادرت به انتشار جزواتی با عنوان «مبانی» کردند که در آنها بر حقیقت نص کتاب مقدس در برابر تفسیرهای جدید تاکید شد. بنیاد گرایی اسلامی، سکولاریسم را رهاورد تمدن جدید غرب می داند و گسترش آن را در دنیای اسلام، محصول فعالیت و تلاش کشورهای استعمارگر غربی معرفی می کند؛ از این رو بر پیوند دین و سیاست تاکید می کند.(هی وود،1379: 495)**

**دیدگاه های سلفیون که به بازگشت بر اسلام ناب محمدی تاکید دارد و دوران خلفای راشدین را بهترین دوران ظهور و تجلی اسلام واقعی می داند نگرشی بنیاد گرایانه است. سلفی ها روایات خود را مستقیما از احمدبن حنبل(241ه.ق)، احمدبن تیمیه(728ه.ق)، ابن القیم الجوزیه(751ه.ق) و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی(1206-1115) می گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی در آمد و هم پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی امتیازات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند؛ اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. علاوه بر سرزمین حجاز مصر نیز از تغییرات و تحولات عقیدتی عقب نماند و سلفی های این کشور با اقدامات و فعالیت های حسن البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزنه های محدود اجتهاد باز شد؛ اما با مرگ زود هنگام حسن البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تاثیر اندیشه های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای بندی به متون دینی براساس دیدگاه های خاص فقهی خود دیدگاه تکفیر را پایه ریزی کردند. سید قطب که تحت تاثیر اندیشه های ابن قیم جوزی در خصوص رفتار با اهل کتاب بود این اعتقاد را داشت که مسلمانان باید با آنان به جهاد بپردازند. حمایت عربستان و کشورهای حاشیه ای خلیج فارس هماهنگی فراوانی میان سلفیون سنتی و جنبش اخوان المسلمین ایجاد کرد. از سوی دیگر دیدگاه ضد سوسیالیسم سلفیون جدید به خصوص در جریان جنگ های نیروهای جهاد افغانستان با شوروی مورد توجه شیوخ وهابی عربستان قرار گرفت. در نهایت سلفیه با اعلام تشکیل جبهه جهانی اسلام برای جهاد با یهودیان و صلیبی ها به رهبری بن لادن عربستانی و ظواهری مصری بیش از پیش توجه به گرایش های مبارزاتی را مورد توجه خود قرار داد. علاوه بر افغانستان یکی دیگر از مراکز رشد سلفی گری، لبنان است. جریان سلفی شام در دمشق توسط ناصر الدین الالبانی ظهور کرد.([www.vahabiat.porsemani.ir](http://www.vahabiat.porsemani.ir))**

**1-2**

**خشونت گرایی در اسلام**

**بطور کلی با توجه به تاریخ پر فراز و نشیب 70 ساله جنبش های اسلامی از شکل گیری اخوان المسلمین تا حال حاضر می توان سه نوع اقدامات خشونت بار را از یکدیگر متمایز کرد: 1. خشونت های واکنشی؛ 2- خشونت ایدئولوژیک؛ 3- خشونت فرقه ای. نوع نخست خشونت به اقداماتی اشاره دارد که گاه به گاه و در واکنش به اقدامات خشونت بار و سرکوبگر حکومت ها، از سوی اعضای جنبش های اسلامی صورت گرفته است و اقدامی برنامه ریزی شده محسوب نمی شود که در سال های دهه 1960-1940 دیده می شد. نوع دوم برخلاف نوع نخست، خشونت سازمان یافته ای است که در چارچوب راهبرد کلی جنبش های اسلامی برای سرنگونی رژیم های سیاسی بکار گرفته شده است و جنبش های اسلامی در سال های دهه 1980-1960 از این نوع خشونت ایدئولوژیک استفاده می کردند. نوع سوم خشونت یا خشونت فرقه ای به لحاظ اهداف مورد نظر و دامنه تلفات بسیار گسترده تر از آنها بوده است. این نوع خشونت که نوعی اقدام کورکورانه و تروریستی است. مردم عادی و غیر نظامی نیز هدف عملیات خشونت بار گروه های اسلامی تندرو قرار گرفتند.(احمدی،1384: 40-39) آنچه که بیش از حد به اسلام گرایان افراطی انگیزه می دهد، دیدگاه تند و رادیکال آنها برخاسته از تقابل اسلام و کفر جهانی و تقسیم جهان به جبهه حق و باطل و عملیاتی کردن تشکیل امت جهانی یا حکومت جهانی اسلام از طریق رویارویی با جهان کفر بود.(احمدی،1384: 52-51) که داعش در زمره این نوع گروه خشونت گرا قرار می گیرد.**

**3-2**

**چگونگی شکل گیری گروه تروریستی تکفیری داعش**

**گروه جهادی که در زمان اشغال شوروی سابق در افغانستان فعال بودند اکثرا اخوانی بودند که با القاعده نیز همکاری می کردند. به عنوان مثال، افرادی همانند سیاف، زرقاوی- موسس القاعده در عراق- و... قبلا در زمان جهاد در هرات حضور داشتند و با مسئولین هراتی نیز همکاری می کردند. زرقاوی سپس به هرات رفته و شاخه القاعده عراق را ایجاد می کند. پس از کشته شدن وی توسط نیروهای آمریکایی عمر البغدادی به عنوان رهبر شاخه القاعده در عراق انتخاب شد. وی نیز از القاعده تبعیت می کرد پس از قتل او ابوبکر البغدادی جانشین وی گردید که پس از تحولات عراق و بهار عربی در سوریه و تشدید فعالیت القاعده عراق این گروه با گروه ایمن الظواهری، رهبر القاعده جهانی دچار اختلاف و شکاف گردید؛ زیرا القاعده عراق علی رغم میل ایمن الظواهری، فعالیت های خود را به سوریه گسترش داد و تشکیل حکومت شام و عراق و خلافت اسلامی را رسما اعلام کرد. در واقع دولت اسلامی در عراق و شام اهداف و آرمان های منطقه ای و جهانی برای خود تعریف کرده و به شدت روحیه ای بلندپروازانه دارد. هم طالبان و هم داعش به عنوان ابزاری در جهت ضربه زدن به اسلام و ایجاد تفرقه در بین جهان اسلام طراحی شده اند.(اسماعیل زاده، 1395: 185-181) داعش در ماه آوریل 2013 میلادی تشکیل شد. داعش ابتدا این گونه معرفی شد که از ادغام بین «دولت اسلامی» وابسته به شبکه القاعده که اکتبر سال 2006 م بوجود آمد و گروه تکفیری مسلح در سوریه معروف به «جبهه النصره» تشکیل شده است.([www.persian-star.org,1395:1](http://www.persian-star.org,1395:1))**

**از 20 ژوئن 2014 با اعلام خلافت داعش و انتخاب «رقه» در سوریه به عنوان مرکز خلافت این گروه افراطی اسلامی، هزاران تن از مردم کشته شده اند. این گروه با تصرف سریع زمین ها و انتشار تصاویر مخوف سر بریدن و روش های دیگر اعدام توانست توجه جهانی بیش از حدی را به خود جلب کند. اصولا داعش در هر جا که خلاء سیاسی وجود داشته باشد موفق است؛ اگرچه عملیات تهاجمی داعش در سوریه و عراق ظرفیت های این گروه را به خوبی نشان می دهد، آنها برای حمله به دولت های ضعیف و شکست خورده با توان نظامی پایین هدایت و سازماندهی شده اند.(اینبار،1395: 2-1)**

1-2-1

**منابع مالی داعش**

**داعش چند منبع درآمد کلی دارد که این منبع درآمدها متغیر است. عده ای می گویند که روزانه در حدود 6 میلیون دلار درآمد نفتی دارند که سالی بیشتر از 2 میلیارد دلار می شود. مقداری از کشورهای عربی کمک می گیرند یا اگر کشورهای عربی حمایتشان را قطع کرده باشند، برخی از ثروتمندان که در کشورهای عربی حضور دارند از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس از آنها حمایت می کنند. گفته می شود این گروه بخشی از اشیا و آثار باستانی که از عراق به دست می آورند را در بازارهای بین المللی به فروش می رسانند. بخشی از منابع مالی داعش از مردم غیر مسلمانی(که این مناطق را تحت سلطه خودشان دارند) است و مبالغی را تحت عنوان جزیه یا مالیات دریافت می کنند یا به اقداماتی نظیر برده فروشی و فروش زنان می پردازند.(ربیعی،1393: 5)**

**بنابراین مهد پرورش فکری این گروه تروریستی به عربستان سعودی و مصر برمی گردد و در حال حاضر گستره اقدامات آن در کشورهای منطقه خاورمیانه همانند عراق و سوریه متمرکز است. گرچه دامنه اقدامات تروریستی این گروه به مرزهای بین المللی رسیده است و آلمان، ایالات متحده، فرانسه، لیبی، نیجریه و... را در برگرفته است. پس مطالعه پیرامون مسائل خاورمیانه و زمینه های رشد این گروه حائز اهمیت است.**

**2**

**خاورمیانه**

**اصطلاح خاورمیانه برای اولین بار توسط ماهان مورخ آکادمی وابسته به نیروی دریایی آمریکا در سال های قبل از جنگ جهانی اول و هم زمان با سلطنت «ویلهلم دوم» امپراطور فرانسه مطرح شد. منظور او از خاورمیانه: «منطقه ای بود که مرکز آن در خلیج فارس واقع شده و کشورهای عربی که تحت سلطه عثمانی بودند، جزء آن محسوب می گشتند.»**

**در همان زمان، چیرول (خبرنگار روزنامه تایمز) این اصطلاح را در مجموعه مقالات خود به سرزمین هایی اطلاق می کرد که: «از مسیرهای غربی(مانند: بین النهرین، فلسطین، مصر و مسیر شمالی چون خاک افغانستان به خاک شبه قاره هند منتهی می شد.»(پژوهشکده مطالعات راهبردی،1379: 5)**

**پس از جنگ جهانی دوم ابعاد کاربردی اصطلاح خاورمیانه گسترش یافت و جنبه جهانی به خود گرفت؛ اما برخلاف عمر کوتاه وضع و کاربرد اصطلاح یاد شده، قدمت حضور و توجه استعمار به کشورهای مختلف خاورمیانه به چند قرن قبل و بطور مشخص شروع قرن شانزدهم برمی گردد؛ چرا که این منطقه یکی از مناطق مهم استراتژیک و ژئوپلیتیک می باشد که به دلیل موقعیت ویژه خود همواره طی قرون متمادی مورد توجه قدرت های بزرگ بوده است.(اسدی،1378: 600-559)**

**2-1**

 **وضعیت کنونی خاورمیانه**

**در سرآغاز هزاره سوم، خاورمیانه همچنان بین المللی ترین منطقه دنیاست. مسائل این منطقه محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه در ارتباط می باشد. همچنین هیچ منطقه ای در جهان به اندازه خاورمیانه در تبیین مولفه های جغرافیایی و پیوند آن با رفتارهای سیاسی اهمیت ندارد. باید علت این امر را از اهمیت نقش خاورمیانه در رفتار منطقه ای قدرت های بزرگ و همچنین میزان تنش های منطقه ای جستجو کرد بنابراین مطالعه و تحقیق درباره این منطقه استراتژیکی از این جهات بسیار حائز اهمیت است. هنوز هم در این منطقه امنیت از بعد نظامی معنی می شود چرا که هنوز مسائلی مانند امنیت نظامی و سیاست های عالیه در حوزه صلاحیت دولت قرار دارد. تداوم کشمکش های سیاسی زمینه را برای نقش آفرینی نظامی فراهم کرده و باعث شده تا ثبات سیاسی خاورمیانه تحت تاثیر الزامات ناشی از تهدیدهای نظامی قرار گیرد. بحران مشروعیت یکی از تهدیدهایی است که حاکمیت اکثریت قریب به اتفاق کشورهای خاورمیانه را تهدید می کند. با وجود نفت در کشورهای منطقه و شکل گیری دولت رانتیر مردم معتقدند که دولت مشروعیت خود را از طریق توزیع مجدد درآمدهای نفت، تسهیلات رفاهی، سوبسیدهای متعدد اعانه و تطمیع به دست می آورد که ثبات آنها را با مشکل روبرو می کند. وجود قومیت های متنوع که هر یک سودای استقلال و ایجاد یک سرزمین مستقل را در سر می پروراند. اختلافات عمیق قومی و حتی مذهبی یکی دیگر از تهدیدهای غیرنظامی است که تمامیت ارضی و حتی مشروعیت رژیم را مورد تهدید قرار می دهد. گروه های قومی می توانند مشروعیت دولت ها را زیر سئوال برده به اقداماتی فراتر از مرزهای رسمی دست بزنند.(؟؟//) اکنون خاورمیانه با مسائل بحرین، جنگ در لیبی، ناآرامی در ترکیه، جنگ در عراق و سوریه روبرو است که در این دو مورد اخیر داعش به عنوان یک گروه تروریستی تکفیری مسئولیت این ناآرامی ها را دارد. این گروه با اقدامات مسلحانه خود از سال 2013 منطقه را ناامن و دچار بی ثباتی کرد و با گسترش حوزه نفوذ خود از خاورمیانه به کشورهای غربی به یک معضل امنیتی تبدیل شده است.**

**2-2**

**زمینه های پیدایش افراط گرایی اسلامی در خاورمیانه**

**سیاست های آمریکا در منطقه که منجر به ظهور افراطی گرایی شد عبارت بود از:**

**1-حمایت از حکومت های اقتدارگرا و غیر دموکراتیک در منطقه**

**در طی سال های گذشته، تقاضا برای ایجاد نظام های واقعی پارلمانی به جز مواردی اندک و ظاهری در کشورهای کوچک خلیج فارس مانند کویت، بحرین و قطر ناکام ماند؛ نتیجه چنین فضایی از یک سو منجر به پیدایش افراطی گرایی و از سوی دیگر منجر به شکل گیری نوع خاصی از «ساخت قدرت» گردید که به نوبه خود موجب افزایش انگیزه ها و زمینه های گسترش افراطی گری شد. به عنوان مثال، ایالات متحده در طول این دهه به منظور مقابله با ارتش شوروی و همچنین محدود کردن زمینه های نفوذ انقلاب اسلامی ایران به حمایت از گروه های رادیکال سنتی در منطقه پرداخت. یکی از نتایج عمده این سیاست ها شکل گیری القاعده و تروریسم جدید است.(برزگر،1386: 153-152)**

**2-حضور نظامی در منطقه**

**جنگ اول خلیج فارس منجر به تاسیس چندین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه گردید. چنین حضور پررنگی به تدریج زمینه های گسترش موج جدیدی از رادیکالیسم مذهبی با ایجاد نارضایتی، بی اعتمادی و بطور کلی برداشت منفی توده ها از نقش و مقاصد حضور نظامی آمریکا در منطقه و دخالت گسترده آن در امور داخلی ملت های منطقه را فراهم ساخت. نهایتا این افزایش حضور منجر به افزایش تنش و خشونت در منطقه گردید که به نوبه خود یکی از موانع اصلی روندهای دموکراسی سازی گردید.(برزگر،1386: 154-153)**

3-صلح اعراب و اسرائیل

**در زمینه صلح اعراب و اسرائیل، به منظور حفظ تعادل در قدرت و سیاست منطقه خاورمیانه، سیاست های آمریکا همواره به نفع و حمایت از اسرائیل جهت گیری می شده است. اتخاذ چنین سیاست های حمایت گرایانه سیاسی، نظامی و مالی از اسرائیل نه تنها خشم و نارضایتی توده ها را برانگیخته؛ بلکه به نوعی منجر به تحقیر عمومی توده های جهان عرب گردیده است. به عبارت دیگر عدم توانایی ایالات متحده در جلب اعتماد افکار عمومی منطقه، موقعیت و جایگاه این کشور نزد توده ها را شدیدا به زوال کشانده است. بی تردید چنین حس فزاینده سرخوردگی در میان توده های عرب یکی از عوامل اصلی تسریع شکل گیری حرکتهای افراطی و تلاش آنها به منظور دستیابی به اهداف و حقوق مشروع از طریق مبارزه مسلحانه یا در بعضی موارد فعالیت های تروریستی گردیده است. در نتیجه اعمال چنین سیاست هایی از سوی آمریکا، هیچ منطقه ای از جهان به اندازه منطقه خاورمیانه زمینه های پذیرش فعالیت های تروریستی را نداشته است. به عبارت دیگر پدیده تروریسم جدید در واقع کنشی است به شرایط پیچیده و دردهای مزمنی که در منطقه خاورمیانه وجود دارد. پیچیدگی های خاص سیاسی، فرهنگی و قومی- مذهبی کشورهای منطقه به گونه ای است که زمینه های بالقوه گسترش تضاد و خشونت را دارند و لذا هر گونه دخالت های خارجی در ساخت طبیعی قدرت و سیاست منطقه منجر به افزایش تنش و بی ثباتی و عدم تعادل قدرت نه تنها در روابط دولت ها، بلکه در روابط ملت های منطقه خواهد شد. نمونه بارز این مسئله هدایت جنگ در عراق است که در قالب فتنه مذهبی و جنگ قومی بین شیعه و سنی پیچیدگی ها و تناقضات جدیدی را در سطح منطقه خاورمیانه فراهم کرده است.(برزگر،1386: 155-153)**

**جدال اعراب و اسرائیل را می توان یکی از شاخص های اصلی بحران در خاورمیانه و سیاست بین المللی دانست که در هیچ مقطع زمانی بعد از جنگ جهانی دوم جدال یاد شده کاهش نیافته است. منازعات مذکور براساس شرایط تاریخی و بین المللی باز تولید شده است. جلوه هایی از جنگ سرزمین، ستیزش هویتی و منازعه کم شدت در حوزه های اقتصادی و سیاسی را می توان به عنوان نمادهای واقعی رفتار اعراب و اسرائیل دانست. در حال حاضر سه مسئله مهم صلح را در خاورمیانه با چالش اساسی روبرو ساخته است: 1- درگیری فلسطین و اسرائیل، 2- مسئله عراق و سوریه، 3- مسئله تروریسم.(میلستون، هینج کلیف،1385: 2-1)**

2-3

اقدامات داعش در منطقه خاورمیانه

**حضور و نفوذ داعش ابتدا در کشور عراق رقم خورد که اشغال بسیاری از استان های آن را به دنبال داشت. سوریه نیز بعد از اقداماتی که علیه دولت و رژیم بشار اسد توسط مخالفان صورت گرفت با حضور و نفوذ و تخریب های بیشمار داعش به منظور حکومت در این سرزمین مواجه شد. شواهد نشان می دهد داعش بارها به دنبال نفوذ در خاک جمهوری اسلامی ایران بوده است. ترکیه سال 2016 را با سلسله حملات تروریستی مرگبار پشت سر گذاشت. «داعش» یکی از گروه های اصلی دخیل در این حملات معرفی شده است.(حجت،1395: 1) حملات انتحاری در آلمان در شب کریسمس، حمله به استادیوم ورزشی در شهر فرانسه و... نشان از دامنه اقدامات تروریستی این گروه تکفیری دارد. تمام کشورهای پیرامون عراق و سوریه که در منطقه جغرافیایی خاورمیانه هستند به علاوه ایالات متحده به عنوان ابر قدرت جهانی و قدرت مداخله گر در منطقه، اتحادیه اروپا و روسیه بر علیه داعش اقداماتی را انجام داده اند که شایان بررسی و مطالعه اند؛ ما در اینجا به بررسی این اقدامات خواهیم پرداخت.**

**2-3-1**

**اقدامات عراق نسبت به داعش**

**در حال حاضر، داعش اکثر پایگاه های خود را در جغرافیای عراق از دست داده است. از همین رو، با تمرکز قوای خود در غرب موصل در حال مبارزه با پیشمرگه های کرد، داوطلبان مردمی و ارتش عراق است. در رابطه با اهمیت غرب موصل باید گفت این منطقه از قدمت طولانی تری نسبت به سایر بخش های موصل برخوردار است. اکثر پایگاه های نظامی داعش، مخفی گاه های نظامی، مکان های باستانی، مساجد بزرگ، ساختمان های اداری و فرودگاه ها در این منطقه مستقر است. از همین رو فرماندهان نظامی عراق انتظار دارند عملیات آزادسازی به مراتب سخت تر و زمان برتر از شرق موصل باشد.**

**در حال حاضر، چهار نیرو مشغول نبرد علیه داعش هستند. ائتلاف ضد داعش در عراق با انجام عملیات های هوایی در تلاش برای رصد پایگاه های داعش و ممانعت از انجام عملیات تهاجمی وسیع علیه نیروهای عراقی. بر روی زمین نیز ارتش عراق در خط اصلی جبهه نبرد قرار دارد. از جبهه شمالی نیز واحدهای پیشمرگه کرد عملیات گسترده ای را علیه داعش آغاز کرده اند. نیروهای موسوم به «الحشد الشعبی» نیز نقش پشتیبانی و حفاظتی را دارد.(ببری،1395:1)**

**2-3-2**

**اقدامات سوریه نسبت به داعش**

**با بالا گرفتن اختلافات میان گروه های مخالف دولت و گروه های حامی دولت در سوریه نوعی خلاء قدرت در این کشور بوجود آمد و در نتیجه جنگ داخلی و آشوبهای پس از آن قدرت های خارجی و سازمان های بین المللی به حمایت از گروه های مخالف دولت اسد پرداختند. در این زمان داعش که در حال تقویت خود در کشور عراق بود با استفاده از این ضعف داخلی به سوریه نفوذ کرد و هم با نیروهای نظامی دولتی و هم مخالفان دولت درگیر شد. در حال حاضر به وضوح دیده می شود که بیشتر توان گروه های مختلف در سوریه نابودی داعش و پایان دادن به اقدامات جنایتکارانه آنها است.**

 **2-3-3**

**اقدامات ترکیه نسبت به داعش**

**دولت ترکیه از ابتدای بحران سوریه همواره اعتقاد به سرنگونی و برکناری رژیم بشار اسد در مسائل سوریه دارد. در این زمینه ترکیه اختلافی اساسی با آمریکا دارد. تبعات مسئله ی سوریه در آوارگان سوری انعکاس پیدا کرده و گفته می شود بیش از یک میلیون و ششصد هزار آواره سوری در مرزهای سوریه و ترکیه توسط ترکیه اسکان داده شده اند و ترکیه در این زمینه هزینه های بسیار سنگینی محتمل شده است. در مورد مسئله ی سوریه شخص اردوغان بر ایجاد منطقه پرواز ممنوع و منطقه امنیتی در ترکیه اصرار دارد و هر گونه حرکتی را مشروط به سرنگونی بشار اسد می داند. ترکیه حتی در مسئله کوبانی اجازه داد، داعش از خاک آن استفاده و وارد عراق و سوریه شود. یکی از اهداف آمریکا در پی مسئله داعش این است که ترکیه را اقناع کند تا در ائتلاف ضد داعش خیلی پر رنگ تر عمل کند؛ اما ترکیه نمی خواهد بطور جدی تا براندازی اسد وارد این مسئله شود. آقای اردوغان به صراحت اعلام کرد که اگر خواسته های ما برآورده نشود ما در مسئله داعش آن جدیت لازم را به خرج نخواهیم داد.(دهقانی،1395: 1)**

**ترکیه سیاست هایش را به گونه ای قرار داده است که در انتخاباتی بعد از برکناری بشار اسد بتواند فعالانه شرکت کند؛ در عراق نگاه ترکیه آمیخته از سیاست و اقتصاد است. ترکیه در یک سیاست هم سو با بارزانی هم نیازهای اقتصادی خود را تامین می کند و هم در این روابط سیاسی بتواند از گسترش بحران داخلی به ویژه در وضعیت فعلی (که با اصل خلع سلاح پ.ک.ک گره خورده است) مسائل خود را حل کند. در مورد عراق همه تلاش دولت ترکیه بر همکاری است. ترکیه فعلا حفظ وضع موجود را در ارتباط با دولت عراق در پیش گرفته و سعی می کند این رابطه را کماکان حفظ کند و مانع از ایجاد تنش شود چون دارای نوعی نگاه تردید آمیز نسبت به عراق می باشد که با نفوذ ایران در عراق کار را بر او مشکل کند؛ در این مورد نگاه ترکیه به ایالات متحده نزدیک است.(دهقانی،1395: 1)**

**2-3-4**

**مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به داعش**

**ظهور داعش فرصت هایی برای آزمایش تئوری و عمل جدید سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دولت یازدهم بوده است که بتواند افراط گرایی سنی را کنترل کند و نقش و جایگاه ایران را در این منطقه به منصه ظهور بگذارد. «توافق ژنو» و «کاهش تنش در روابط ایران با آمریکا» یکی از کلیدهای اصلی و راهگشا در حل و فصل بحران های سوریه و عراق است که هم اکنون در بسیاری از موارد به هم گره خورده اند و شاید با کمی اغماض بتوان آنها را در یک مجموعه قرار داد.(اعتماد،1394: 2)**

**جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با داعش، چهار مرحله را پشت سر گذاشته است. در مرحله اول، اقدام به ارسال کمک به مردم عراق نمود. در مرحله دوم، شناخت کشورهای همسو با منافع جمهوری اسلامی ایران مثل روسیه در مبارزه با داعش. در مرحله سوم برای پیشبرد اهداف و مواضع خود و براساس نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر کمک های تبلیغاتی اقدام به ارسال نیروهای سپاه قدس به طور مستقیم به عراق و سوریه کرد. جمهوری اسلامی ایران این مسئله را در سیاست های اعلامی خود نیز بیان نمود. در مرحله چهارم تبدیل جمهوری اسلامی ایران از یک کشور (به اصطلاح حامی تروریست به زرعم غرب) در منطقه، به کشوری قدرتمند و تاثیرگذار که خود مستقل از نفوذ ابر قدرت هایی مثل آمریکا و روسیه تصمیم گیری می کند.(سنایی،کاویانپور،1395: 157-155)**

**2-3-5**

**عربستان سعودی و داعش**

**پس از واقعه یازده سپتامبر و بازگشت اسامه بن لادن به عربستان، از ابتدای سال 2003 رویدادهای فاجعه باری در این کشور رقم زده شد که شمار حملات القاعده در عربستان را تا سال 2008 به سی مورد رساند. بنا به گفته مقامات سعودی، طی این خشونت های آشکار،150 نفر از افراد غیرنظامی و افسران امنیتی کشته و بیش از هزار نفر مجروح شده اند و عربستان برای ممانعت از تکرار حملات تلاش نمود که اقدامات تور کار خود قرار دهد. به همین منظور، مقامات سلطنتی تا ژوئیه 2007، در حدود نه هزار نفر را که مظنون به همکاری با القاعده بودند دستگیر کردند که سه هزار نفر از این افراد زندانی شدند.تا نوامبر 2007، 1500 نفر دیگر نیز آزاد شدند و تنها 1700 نفر پس از گذراندن «برنامه افراط زدایی» که تلاش داشت نگرش آنها را تغییر دهد، در زندان باقی ماندند که سرنوشت آنان نامشخص ماند. وظیفه بررسی پرونده های این دادگاه در سال های 2010 و 2011 از موارد مرتبط با القاعده به موارد مرتبط با فعالان سیاسی و سپس در سال های 2011 و 2012 به اشکال جدید جهادگرایی در سوریه ، عراق و دیگر مناطق درگیر تغییر کرده است. از اواخر سال 2014، داعش توطئه های خود در عربستان آغاز کرده است و صدها نفر به عنوان مضنون دستگیر شده اند که برخی از آنها بدون هیچ سوء سابقه ای هستند ولی به ارتباط با داعش متهم شده اند. پرونده های این دادگاه نشان داده اند که بیشترین نگرانی امنیتی عربستان، حامیان داخلی یا خارجی گروه های افراط گرا در سوریه، عراق و یمن مانند داعش، جبهه النصره و القاعده هستند. (مقری موذن،1394: 3-2) عربستان سعودی در حال حاضر عضو ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا برای مبارزه با داعش است و سعی دارد یک ائتلاف اسلامی بر علیه داعش ایجاد کند.**

**2-3-6**

**سیسی و نگاه مصری ها به داعش**

**ظاهرا سیسی برخوردی منفی با داعش دارد و آن را خطرناک می داند ولی در عمل بیشتر پیرو سیاست های عربستان است. سیسی در مسائل منطقه ای هنوز در چارچوب نزدیکی با دولت عربستان عمل می کند و در زمینه های مختلف منطقه ای مانند غزه، بحران عراق، بحران سوریه، موضع گیری های خود را تنظیم می کند. (مطهرنیا،1395: 1)**

**2-3-7**

**نقش قطر و متغیرهای دخیل در رویکرد به داعش**

 **طبق اطلاعات موجود به نظر می رسد بیشترین حمایت های مالی و سیاسی از داعش از سوی قطر صورت می گیرد. اگرچه با تغییر حاکم قطر و جوان گرایی وی تلاش دارد خود را از مقولات موجود سوریه و عراق کنار بکشد؛ اما این رویکرد در اصل یک سیاست ظاهری است. قطر در معادلات منطقه ای خواهان ایفای نقش بیشتر است و از منظر پرستیژ منطقه ای برای گرفتن امتیازات فزون تری در معادلات منطقه ای و کسب قدرت بیشتر نیازمند استفاده از این ابزارها در ارتباط با مسائل منطقه ای است. به همین دلیل قطری ها با هزینه کردن و حمایت از تروریست های موجود در عراق و سوریه گام های جدی را برمی دارند و تا حد زیادی برای کسب قدرت بیشتر وارد عمل می شوند.(مطهرنیا،1395: 1)**

**2-3-8**

**نگاه اردن به تحولات عراق و داعش**

**اردن سعی می کند نقش یک بازیگر ساکت را در خاورمیانه ایفا کند. اردنی ها بیشتر پژواک سیاست های انگلیس در منطقه خاورمیانه هستند تا سیاست های آمریکا، فرانسه، سوریه، آلمان و بطور کلی اروپا. اردنی ها با نقش بازیگر ساکت به عنوان میانجی میان کشورهای عربی فعال در منطقه با داعش و... با تحریک این گروه ها تلاش می کنند در حوزه ی منافع ملی خود وارد عمل شوند. از این جهت اردن حلقه ی واسطه ای مطمئن در سیاست های دولت های عربی در چارچوب دیپلماسی سکوت و فعالیت پنهان در این زمینه هستند. اولین کسی که از هلال شیعی سخن گفت ملک عبدالله پادشاه اردن بود.(مطهرنیا،1395: 1)**

**2-3-9**

 **بازیگران شورای همکاری خلیج فارس و حضور داعش در عراق**

**داعش بهترین ابزار برای جنگ مذهب علیه مذهب برای کنترل رسالت مذهبی در تشکیل حکومت دینی است. از این رو تشکیل داعش با این هویت اگر از کنترل خارج شود حتی می تواند تشکیل دهندگان و حامیان آن را مورد تهدید قرار دهد. از این رو کنترل داعش بیش از هر چیز تحت تاثیر مسائل خاورمیانه و بحران های موجود در آن است.(مطهرنیا،1395: 1) کشورهای حوزه خلیج فارس و در راس آنها عربستان سعودی، قطر، امارات کمک هایی می کنند. (افقهی،1395: 1)**

**2-3-10**

**مواضع اسرائیل نسبت به داعش**

**تهدید اصلی برای امنیت اسرائیل یعنی از زمان جنگ های 1948 و 1949 تا جنگ لبنان در 1982، دولت های عربی بودند؛ بنابراین ناآرامی داخلی یا وقوع انقلاب در جهان عرب، مساوی با امنیت بیشتر برای اسرائیل تلقی می شد. آنان معتقد بودند که انقلاب یا ناآرامی داخلی توجه حکومت های عرب را از منازعه عرب- اسرائیل و یا حمایت جویی آنها را از فلسطینیان به سوی معضلات داخلی منحرف می کرد؛ اما از دهه 1980 گروه های شبه نظامی غیر دولتی اهمیت بیشتری یافتند و بدل به تنها تهدیدات بالفعل امنیتی شدند؛ حتی دولت های اسلامی هم دیگر نه از طرق متعارف و به صورت رویارویی ارتش های خود با اسرائیل بلکه از طریق حمایت از همین بازیگران غیردولتی، اسرائیل را به چالش می طلبیدند.(پرتو،کریمی،1391: 9-4) اسرائیل نخست در جریان انتفاضه اول (1993-1998) و سپس در سراسر دهه 1990 با موج حملات انتحاری، عملیات نظامی و جنگ چریکی گروه های غیردولتی مواجه شد. در کشورهای پیرامون اسرائیل نیز اسلام گرایی قدرت گرفته از دهه 1980 با دولت های خودکامه و سکولار عرب که با اسرائیل روابط گرمی داشتند یا دست کم دشمن آنان نبودند درگیر بود. اگر نخبگان سیاسی و نظامی حاکم در کشورهای عرب یبه این نتیجه رسیده بودند که باید اسرائیل را به عنوان واقعیت موجود پذیرفت. اسلام گرایان خواهان به دست گرفتن قدرت به هر شیوه ممکن و قطع همکاری و دوستی با اسرائیل و جهاد با دولت یهودی بودند. جای ناسیونالیسم عربی دهه 1950 و 1960 را رقیبی نیرومندتر و با اعتماد به نفس تر یعنی اسلام گرایی سیاسی گرفته بود. اسلام گرایی سیاسی با حامی اصلی اش یعنی ایران، اصلی ترین تهدید امنیتی اسرائیل گردید به نحوی که اسرائیل از اوایل دهه 1990، خاورمیانه را در قالب دو محور مقاومت ضدآمریکا و ضداسرائیل (ایران، سوریه، حزب الله، حماس) و محور دولت های عربی معتدل به رهبری مصر و عربستان سعودی می شناخت. در نتیجه اسرائیل به دنبال توانمند کردن همسایگانش بود تا آنها نا امن نباشند و اسلام گرایان و جریان ها ی ضد اسرائیلی را کنترل کنند. نا آرامی های سال 2011 در جهان عرب و پیروزی انقلاب در مصر، تونس و لیبی در کنار حکومت لرزان در اردن و سوریه در اسرائیل با ترسی مضاعف نگریسته شد تصرف سفارت اسرائیل در قاهره، گشایش گذرگاه رفح، وقوع عملیات نظامی از طریق مرز مصر با اسرائیل و رسیدن سلاح های زرادخانه های لیبی به دست گروه های جهادی، نشانه های ابتدایی از پیامدهای انقلاب های عربی در نظر گرفته شد.(پرتو،کریمی،1391: 10-9)**

**پدیده ای مشابه در صورت فروپاشی سامان سیاسی در سوریه، اردن و مصر می تواند موجب مسلح شدن جمعیت میلیونی آوارگان فلسطینی در این کشورها و انجام عملیات های ایذایی با تلفات انسانی و لجستیکی قابل توجهی برای اسرائیل شود. اگر وضعیت هرج و مرج و دولت گسسته پیرامون اسرائیل پدید آید، کنترل مرزهای اسرائیل به کمترین سطح خواهد رسید.**(Jerusalem,2010:11)

**اسرائیل یه همراه لابی ها، رسانه ها و اندیشکده های همسو با این رژیم در داخل آمریکا گرایش دوگانه ای در قبال مداخله نظامی آمریکا در خاورمیانه و بر علیه داعش داشته است. از یک سو در سه سال گذشته بیشترین تلاش را برای ترغیب یا وادار نمودن دولت آمریکا برای مداخله نظامی در سوریه و ورود به جنگی جدید در خاورمیانه به عمل آورده است و از سوی دیگر نگران کاهش فشارها به ایران از طریق اولویت های آمریکا در فشار به ایران و همینطور تقویت دولت های عراق و سوریه در اثر راهبرد جدید آمریکا علیه داعش بوده است. شواهد تلاش اسرائیل برای وارد کردن آمریکا برای ورود به جنگی جدید در سوریه فراوان است. یکی از نمونه های فاحش آن در آوریل سال 2013 در جریان سفر چاک هیگل، وزیر دفاع آمریکا به تل آویو رخ داد. در جریان این سفر مقامات وزارت دفاع اسرائیل با انتشار مدارکی ادعای بکارگیری سلح شیمیایی از سوی دولت سوریه را مطرح کردند و با جوسازی شدید رسانه ای سعی کردند دولت آمریکا را به اعلام مداخله نظامی در سوریه وارد کنند.(یوسفی اول،1395: 42)**

**2-3-11**

**اقدامات ایالات متحده نسبت به تروریسم و داعش در منطقه خاورمیانه**

**تروریسم بد یا خوب یکی از مهمترین وجوه نگاه آمریکا در رویکرد به مساله تروریسم در خاورمیانه در سال های اخیر بوده است. در این راستا با آغاز انقلاب ها در منطقه این معیار با تغییرات همراه شد و اندک اندک همراه با تغییر رویکرد گروه های تروریستی در نگاه به شهروندان و دولت ها در منطقه و جهان تغییر یافت. بحث تروریسم در فرهنگ سیاسی آمریکا تعریفی کلی دارد. تعریف جمهوری خواهان در زمان بوش با تعریفی که اوباما از تروریست ارائه می دهد متفاوت است. تفاوت این بحث هم به دلیل شرایط روز است یعنی در زمان جرج بوش بحث طالبان و عراق مطرح بود و طبیعتا در آن محور این گروه ها را تعریف می کردند؛ اما در زمان اوباما شرایط روز به موضوع بهار عربی، تحولات سوریه و ظهور داعش مربوط می شود. دموکرات ها براساس تحولات بیرون آمریکا و عمدتا در ارتباط با مباحث خاورمیانه این تعریف را شکل دادند و در این اواخر هم به سمت روسیه گسترش دادند. می توان گفت تعریفی که دموکرات ها در ارتباط با حضور تروریسم داشتند گسترده تر از تعریف جمهوری خواهان است.(فاخری،1395: 1)**

**حمله به برج های دو قلوی سازمان تجارت جهانی و ساختمان پنتاگون موجب شد واژه جهاد بیش از پیش در رسانه ها و محافل غربی بکار رود به صورتی که بعضی رسانه های غربی، مواضع ایدئولوژی القاعده را جهادیسم نامیدند. پس از این حوادث بکار بردن واژه جنگ صلیبی توسط جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا نشان گر نگرش نومحافظه کاران واشنگتن نسبت به جهان اسلام بود. در همین راستا اصطلاح فاشیست های اسلامی در مورد مسلمانان بکار رفت. براساس چنین برداشتی در اظهارات تئوری پردازان مقامات آمریکایی از «جبهه اسلامی» به «جبهه سبز» تعبیر شد که پس از جبهه سرخ (اتحاد جماهیر شوروی) پیش روی آمریکا قرار گرفته است.(یزدانی، ایزدی،1387: 1)**

**از نظر واشنگتن همان گونه که در جنگ جهانی اول و دوم فاشیسم و نازیسم و در دوره جنگ سرد کمونیسم دشمن ایالات متحده آمریکا تلاقی می شدند. در جنگ چهارم جهانی، فاشیسم اسلامی و تروریسم اسلامی حامیان آنها یعنی افغانستان، عراق، ایران، سوریه و لبنان در وهله اول و سودان، لیبی و تشکیلات خودگردان فلسطینی در وهله دوم دشمن تلقی گردیده و تغییر رژیم های آنها از طریق قوه قهریه و به روش سخت افزاری در اولویت قرار گرفت. اشغال افغانستان در سال 2001 و حمله به عراق با دکترین دفاع پیشگیرانه، مبارزه با گروه های اسلام گرا در خاورمیانه از جمله اقدامات ایالات متحده در مبارزه با تروریسم بود.(یزدانی، ایزدی،1387: 3)**

**به دنبال اقدامات تروریستی داعش در عراق، «جو بایدن»، معاون رئیس جمهوری، در نهم آوریل درباره عزم راسخ ایالات متحده برای پشتیبانی از عراق گفت: «پیروزی از آن عراقی هاست؛ ولی در حالی که آنها به پاخاسته و در کنار یکدیگر ایستاده اند؛ ایالات متحده نیز متعهد است در کنار آنها بایستد.» بایدن که در دانشکده ملی جنگ در واشنگتن صحبت می کرد گفت: «پرزیدنت اوباما قاطعانه برای کمک به عراق در جنگ با داعش پاسخ داده است. از پاییز 2014 تا کنون، ایالات متحده بیش از صد میلیون دور مهمات، 62 هزار سلاح کوچک، 1700 موشک هلفایر به عراق تحویل داده است و این بخشی از کمک ها بوده است.»([www.shareamerica.org,2015:1](http://www.shareamerica.org,2015:1))**

**مصاحبه رئیس جمهوری آمریکا با خبرگزاری «ان. بی. سی» نشان از عزم جدی تر واشنگتن برای مبارزه با این گروه تروریستی دارد و «اوباما» در تشریح استراتژی جدید «واشگتن» برای مهار «داعش» نشان داد که از مرحله تهدید عبور کرده و به وادی یقین گام گذارده است. اوباما ضمن دعوت از کشورهای محافظه کار سنی متحد با آمریکا در منطقه چون ترکیه، عربستان، امارات متحده عربی و اردن برای همکاری جهت مبارزه با پدیده «داعش» بر این نکته تاکید می کند که هم اینک خطر اصلی نه ایران شیعه که افراط گرایی سنی و تروریسم بنیاد گرای «داعش» است.(زارعی قنواتی،1395: 1)**

**استراتژی اوباما در این مدت، پرهیز از مداخله نظامی در مواردی که امنیت آمریکا بطور مستقیم تهدید نمی شود بوده است. دولت اوباما هر چند گروه داعش را به «سرطان» تشبیه کرده است ولی حتی بعد از اعلام راهبرد جدیدش بر ضد داعش کماکان این گروه را یک تهدید آنی برای آمریکا به حساب نمی آورد.(یوسفی اول،1395: 40)**

**همچنین موضوع برجسته در سند امنیت ملی آمریکا که در سال 2015 منتشر شد این است که محیط امنیتی جهان به شدت پیچیده است و این روند در آینده نیز ادامه خواهد داشت؛ اما قابلیت های انطباق پذیری ایالات متحده آمریکا با توجه به الزام های محیطی تغییر نکرده است که این به عنوان یک هشدار به رهبران آمریکا ارائه می شود. یکی از این تهدیدها شامل تهدید های ناشی از بازیگران دولتی و بازیگران فروملی است همچنین موضوع ایران و جریان ها و ایدئولوژی ها افراط گرایانه به ویژه داعش به عنوان تهدید مطرح است. موضوع بعدی تحول در حوزه فناوری و سهولت دسترسی سریع این بازیگران به فناوری های نوین است. دو موضوع محوری که در سند راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال 2015 مورد تاکید قرار گرفته عبارتند از: ضرورت مقابله با دولت هایی که هنجارهای بین المللی را به چالش می کشند و مقابله با جریان ها و سازمان های افراط گرا و خشونت طلبی که امنیت منطقه ای را در جهان به مخاطره می اندازد. راهکارهای ارائه شده شامل: تلاش برای ایجاد شبکه ای از اتحاد و ائتلاف های منطقه ای تحت رهبری و هدایت ایالات متحده آمریکا و تقویت قابلیت، ظرفیت و آمادگی لازم برای مواجهه با چالش های امنیتی نوظهور است.(گزینه های استراتژیک آینده آمریکا در غرب آسیا، 1395: 19)**

**و در گزارش اندیشکده واشنگتن که برای سیاست خاور نزدیک نوشته شده است. در این گزارش بحث «داعش و ایران» برجسته می شود و توصیه می شود که دولت آینده آمریکا در ارتباط با این دو عامل در غرب آسیا برنامه ریزی داشته باشد. نویسندگان این گزارش چنین عنوان می کنند که درگیری های قومی-قبیله ای بر سر هویت و تهدید نظام های دولتی و افزایش شمار دولت های فروپاشیده و یا در حال فروپاشی، موتور محرک تمام تنش های امنیتی در غرب آسیا طی یک دهه آینده خواهد بود و پس از این به موضوع ایران و داعش می پردازند. آنچه در این گزارش تحت عنوان عناصر کلیدی برای تدوین راهبرد آینده آمریکا در غرب آسیا مورد اشاره قرار می گیرد شامل چند بند است:**

**1-تمرکز بر تقویت نظام های دولتی در غرب آسیا؛**

**2- تمرکز بر محدود سازی، عقب راندن و شکست داعش در غرب آسیا؛**

**3- عدم فاصله از اهداف آمریکا در سوریه و تقویت همزمان نیروهای ضد داعش و ضد اسد در این کشور از راه مدیریت کارآمد نیروهای حاضر در صحنه نبرد؛**

**4-تعامل با ایران تا زمانی قابل پذیرش است که این کشور تهدیدهای بالقوه علیه آمریکا را متوقف کند یا کاهش دهد؛**

**5-مدیریت روابط با کشور ترکیه و توجه به نقش این کشور با توجه به رویکرد آمریکا به داعش، ایران، سوریه و نظام های سیاسی در این منطقه؛**

**6-توسعه برنامه های مشترک با اروپایی ها، ژاپن و دولت های عربی حاشیه خلیج فارس به منظور بازسازی، توسعه و تثبیت مناطقی که در آینده در عراق و سوریه از کنترل داعش خارج خواهند شد.(گزینه های استراتژیک آینده آمریکا در غرب آسیا، 1395: 19) در بحث داعش غرب به دنبال یک سری همفکری در زمینه قطع منابع مالی داعش و وارد کردن نیرو یا حتی شبه نظامیان خارجی از مرز ترکیه به عراق و سوریه است؛ اما آمریکا سیاستش را حدالامکان در همکاری طرف های معارض در سوریه قرار داده است و حتی مایل است گروه هایی را که گروه های میانه رو محسوب می شوند و درباره واگذاری مسالمت آمیز قدرت مایل به گفتگو هستند را مسلح کند؛ اما به حدی نباشد که از حیطه نفوذ آمریکا خارج شوند. (دهقانی،1395: 1)**

**2-3-12**

**مواضع اتحادیه اروپا نسبت به داعش**

**اتحادیه اروپا بعد از مدت ها تعلل و رایزنی نهایتا در راستای فعال شدن در امور عراق و مقابله با گروه های تروریستی داعش نشستی را در تاریخ 24/5/1393 در سطح وزرای خارجه خود در بروکسل برگزار کرد. هدف اصلی این نشست تشکیل گروهی متشکل از کشورهای منطقه برای مقابله با تهدید تروریست های تکفیری در عراق اعلام گردید. اتحادیه اروپا امیدوار است یک «گروه حمایتی» متشکل از کشورهای منطقه از جمله ایران را برای کمک به عراق در مقابل تهدید ناشی از گروه داعش شکل دهد. به گفته یکی از مقامات ارشد این اتحادیه، این گروه متشکل از عربستان، ایران، اردن، لبنان، ترکیه، مصر، آمریکا و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس به همراه اتحادیه اروپا خواهد بود. اتحادیه در این نشست سعی داشت تا اجماعی بین المللی علیه داعش و فعالیت های آن در سوریه و عراق راه بیندازد تا از طریق آن بتواند با ارسال کمک نظامی به عراق به رویارویی با این گروه تروریستی بپردازد. بدیهی است که اتحادیه اروپایی به تنهایی قادر به اتخاذ موضعی جدی و قاطع در برابر تحولات سریع عراق و اقدامات جنایتکارانه داعش نیست و لذا روی حمایت کشورهای منطقه از یک طرف، سازمان ملل متحد و آمریکا از طرف دیگر حساب می کند؛ اما در این نشست وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا نتوانستند به موضعی واحد در مورد تجهیز کردهای اقلیم کردستان عراق و ارسال اسلحه برای مواجهه آنان با گروه های تروریستی داعش دست یابند و نهایتا اعلام شد که هر یک از کشورهای عضو اتحادیه آزاد هستند در صورت موافقت بغداد به ارسال سلاح برای گروه پیشمرگه کرد اقدام کنند.(خالوزاده،1395: 1)**

**با پیشروی گروه داعش در مناطق شمالی عراق و بخصوص آواره شدن صدها هزار مسیحی و اقلیت های ایزدی در مناطق کوهستانی شمال عراق، موضع اتحادیه اروپا نیز شدیدتر شد. «اشتون» اقدامات گروه تروریستی داعش را محکوم کرد و اعلام کرد: «اعضای این اتحادیه حملات گروه دولت اسلامی و سایر گروه های مسلح در عراق را به شدت محکوم می کنند. «ما از وخامت وضعیت انسانی با آوارگی صدها هزار غیر نظامی و عمدتا اقلیت ها منزجر هستیم و برخی از این اقدامات ممکن است جنایات علیه بشریت باشد. اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن به همراه دیگر شرکای بین المللی مستقیما و از طریق آژانس سازمان ملل و سازمان های غیردولتی کمک های بشر دوستانه فوری را برای غیر نظامیان عراق فراهم می کند...» (خالوزاده،1395: 1) بنابراین چنان که مشخص شد کشورهای اتحادیه اروپا بیشتر علاقمند به اتخاذ یک موضع قدرتمند و حضور بسیار گسترده نظامی و تسلیحاتی در بحران اخیر نیستند.**

**فرانسه که جدی ترین مواضع را در بین کشورها دارد اعلام داشته با هماهنگی دولت مرکزی عراق اقدام به ارسال تسلیحات برای کردهای شمال عراق به منظور مبارزه با گروه تروریستی داعش خواهد کرد. فرانسه در حال باز تعریف و به دست آوردن موقعیت سابق از دست رفته خود در عراق است. به نظر می رسد انگلستان نیز به اتخاذ موضع سخت تری علیه داعش در پیش گرفته است. در این رابطه دولت انگلیس بالاخره از آمادگی خود در تجهیز نظامی نیروهای پیشمرگه اقلیم کردستان عراق خبر داده و در آخرین موضع خواستار رایزنی و هماهنگی با کشورهای بزرگ منطقه ایران و عربستان شده است.(خالوزاده،1395: 1)**

**2-3-13**

**اقدامات روسیه علیه داعش**

**ورود تمام قد روسیه به بحران سوریه و تشکیل اتاق جنگ مشترک بین روسیه، ایران، سوریه و حزب الله حلقه ی مقاومت و مبارزه با تروریست ها در سطوح مختلف، نام ها و تمام تشکیلاتی که تا کنون در سوریه می جنگند را تکمیل کرد. جبهه النصره، جیش الحر و احرار همه درگیر با داعش شده اند. روس ها به تمام اماکن حساس و استراتژیک از طریق هوا حمله کردند و متحذان پس از تمهیدات پیشروی و عملیات آفندی و عملیات زمینی و پدافندی به تثبیت اماکن آزاد شده اقدام می کنند.مستشاوی و امکانات مخابراتی و ماهواره ای روس ها بسیار موثر بوده است. در عرض یک هفته در سوریه سه فرودگاه آزاد شد. داعش قدرتی ندارد که در مقابل این سیل تهاجم و این سلاح های پیشرفته و ورود یک بازیگر بین المللی وضعیت مطلوبی داشته باشد.(افقهی،1395: 1)**

**با توجه به مطالب فوق ما به وضوح مشاهده کردیم که این گروه تروریستی تبدیل به یک بحران جهانی شده است و نگرانی های ابر قدرت ها را به دنبال داشته است در طول تاریخ مطالعات صلح بعد از وجود هرج و مرج و نقض اصول آن تدوین و بررسی شده است. حال باید ببینیم آیا این اقدامات در منطقه صلح را با چالش جدی روبرو کرده است یا خیر؟**

**3**

**صلح**

**3-1**

**مفهوم صلح**

**همانطور که می دانیم تکوین تحقیقات صلح مرهون تلاش افراد و همچنین متاثر از وقایع است. بدون تردید کشتار و قتل عام جنگ جهانی اول به طور اخص باعث بروز حمایت شدیدی از جنبش های صلح طلب و به طور کلی باعث پیدایش تمایل گسترده ای به سوی صلح گردید؛ پس از جنگ جهانی دوم، از عوامل فزاینده ای که به تحقیقات بیشتر در مورد صلح کمک کرد، کاربرد نیروی اتمی به عنوان سلاحی جنگی بود؛ بنابراین می توان این گونه نتیجه گیری کرد که رویکرد «مطالعات صلح» از خاکسترهای ویرانی قرن بیستم سر برآورد و ظهور تسلیحات کشتار جمعی، گرم شدن زمین، جنگ های جهانی، منازعات قومی و نژادی و... محافل دانشگاهی را ترغیب به یافتن گزینه های بدیل به جای جنگ برای حل و فصل اختلافات و منازعات بشری نمود.(ماه پیشانیان،1390: 20-12)**

**شناخت معنا و مفهوم صلح، پیش شرط هر گونه کند و کاو راجع به آن و درک رهیافت ها و رویکردهای نظری و عملی است. جدی ترین بخش در حوزه مطالعاتی صلح به تعریف صلح ارتباط پیدا می کند. توافقی کلی در مورد مفهوم صلح وجود ندارد؛ اما در معنای لغوی واژه «صلح» به صورت های زیر تعریف شده است:**

1. **حالتی که در نبود جنگ حکمفرما باشد؛**
2. **پیمان بستن پس از جنگ؛**
3. **وضعیت هماهنگی و تناسب؛**
4. **وضعیت آرامش و سکوت.(ماه پیشانیان،1390: 22)**

**اساسی ترین دسته بندی از صلح توسط یوهان گالتونگ، پژوهشگر صلح نروژی و تقسیم آن به دو نوع صلح منفی (منفعل) و صلح مثبت (فعال) است.**

**صلح منفی: این نوع صلح که اساسا مورد توجه نظریه پردازان واقع گرایی می باشد، به سادگی عبارت است از: عدم جنگ و شرایطی که در آن هیچ خشونت نظامی فعال و سازمان یافته ای وجود نداشته باشد. زمانی که صلح به مثابه شرایطی از تعلیق کمابیش پایدار رقابت میان واحدهای سیاسی تعریف می شود، منظور همین «صلح منفی» می باشد.**

**صلح مثبت: این دیدگاه به شرایطی اجتماعی اشاره دارد که در آن استثمار به حداقل رسیده یا حذف شود و اینکه خشونت آشکار یا پدیده خشونت ساختاری(نفی حقوق مهم انسانی همچون رفاه اقتصادی، برابری اجتماعی، سیاسی و جنسیتی، احترام و... )وجود نداشته باشد. صلح مثبت همچنین بیانگر حضور مداوم نظم اجتماعی برابر و عادلانه و نیز هماهنگی اکولوژیکی می باشد. به عبارتی ارتقاء و بهبود شرایطی که توان بشری را محدود نساخته و نیز فراهم آوردن فرصت ها برای تحقق آمال و آرزوهای آن باشد. (Barash, Charls, 2008:8)**

**بر این اساس، صلح نه تنها در قالب آتش بس توصیف نمی شود؛ بلکه نوعی تغییر و دگرگونی در روابط تلقی می گردد. تحت این شرایط نه فقط ارتش دولت ها جنگ علیه یکدیگر را متوقف می سازند، بلکه از مسلح شدن دوباره نیز دست خواهند کشید. آنان همچنین از سازماندهی گروه های مرگ در مقابل اعتراضات داخلی خودداری و از گسترش ظلم سیاسی که باعث بروز جنگ و تعارض می گردد پیشگیری می کنند و بالاخره با هر شکل استثمار اقتصادی مبارزه خواهند کرد.(Forcey,1989: 25)**

**3-1**

**وضعیت کنونی صلح در خاورمیانه**

**در گذشته مشکلات خاورمیانه به مسئله آب، اختلافات ارضی و مرزی، جنگ ها و آشوبهای داخلی، گسترش نظامی گری و رقابت تسلیحاتی و منازعات فرقه ای داخلی محدود می شد.(پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1379: 65) اما از سال 2011 به این سو مسئله انقلاب های عربی بر ضد حکومت های دیکتاتور و مداخلات نظامی عربستان بر ضد رژیم های یمن، لیبی و بحرین رخ داد. بین جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی بر سر مسائل داخلی سوریه، عراق و قضیه مکه و منا اختلافات اساسی شکل گرفت که به قطع روابط دیپلماتیک انجامید. مسئله اسرائیل و فلسطین به دلیل تن ندادن اسرائیلی ها به قطعنامه 242 سازمان ملل متحد مبنی بر برچیدن شهرک های یهودی نشین از تمام سرزمین های اشغال شده در جنگ 1967 و قطع شهرک سازی ها اختلافات را تشدید کرده است. انتفاضه اول و دوم در این کشور بر علیه اسرائیلی ها رخ داده و فلسطینی ها دولت خودگردان فلسطین را به رسمیت نمی شناسند.(یزدی،** [**www.telaxcala.es/pp.asp:1388**](http://www.telaxcala.es/pp.asp%3A1388)**)**

**داعش نیز به این آشوب های منطقه ای اضافه شد. اتحاد و ائتلاف برای از میان بردن آن تنها میان کشورهایی که بصورت جدی درگیر با داعش هستند(عراق و سوریه) با جمهوری اسلامی ایران رخ داده است، سوریه نیز به این اتحاد اضافه شد؛ اما کشورهای دیگر علی رغم وجود نشست های متعدد و تلاش به منظور همگرایی برای مقابله با داعش با هم متحد نشده اند.**

**تا کنون هر کدام از بازیگران اصلی خاورمیانه تلاش کرده اند تا اراده خود را بر دیگری مستولی کنند برای همین درگیری های طولانی غیر متناسبی رقم خورده است که هیچ نتیجه روشنی هم نمی توان برای آنها متصور شد.(النهار،1395:1)**

**3-2**

**اقدامات لازم برای صلح در خاورمیانه**

**تحولات سیاسی مهم اواخر دهه 80 در منطقه و جهان اساس و الگوی جدیدی را برای آغاز تلاش های صلح طلبانه بوجود آورد. صلح یا بهتر بگوئیم تحول در مناقشات در جهت مثبت ، سرانجام با وجود مشکلات فراوان وارد گفتمان و ادبیات سیاستمداران و رهبران سیاسی منطقه شد. نقش و دخالت داوطلبانه یا اجباری میانجی گران و بازیگران خارجی تا حد زیادی موجب شد که بی حاصلی و بیهودگی جنگ در منطقه آشکار شود؛ البته نباید تاثیر طرف های خارجی و گسترش جنگ به سطح بین المللی را بر تلاش های صلح طلبانه در خاورمیانه نادیده گرفت؛ اما لازم است عوامل و موارد زیادی به دقت بررسی شود تا بتوان حداقل شرایطی را که برای برقراری و حفظ صلح در منطقه لازم است تعیین کرد. عواملی مانند: الگوی متغیر سیاست جهانی، پایان یافتن رقابت ابرقدرت ها در منطقه خاورمیانه، مسائل اقتصادی مربوط به جهانی شدن، نقش و سهم اندک کشورهای منطقه در بازارهای جهانی، تاثیر قیمت نفت بر بازارهای جهانی و بالاخره وجه مذهبی برخی منازعات در منطقه که موجب نگرانی پیروان ادیان در سراسر جهان گردیده است. مثل بحران فلسطین و اسرائیل بر سر مسئله بیت المقدس(اورشلیم). راه های حل و فصل منازعات نیز تغییر کرده است. گرچه روش های سنتی در برخی زمینه ها و شرایط هنوز باقی مانده اند؛ اما راه های سنتی اکثرا کاربرد خود را از دست داده اند و راه های جدیدی برای برقراری صلح بوجود آمده است. میانجی گری بازیگران منطقه در لبنان، در مورد جنگ ایران و عراق نقش سازمان ملل متحد و بالاخره در جریان کشمکش های داخلی الجزایر اروپائیان نقش برجسته ای داشتند به باور بسیاری، ارائه کمک برای نیل به توسعه و اقدامات محافل دیپلماتیک در جهت صلح، ثبات و آرامش را در منطقه بوجود خواهد آورد و این خود موجب رشد و ارتقای سطح همبستگی اقتصادی و استاندارد مناسب رفاهی و کاهش وابستگی اقتصادی و بدهی های خارجی خواهد شد. بنابراین صلح تنها به معنای اختصاص کمتر منابع به ادوات نظامی و صرف بیشتر منابع در جهت مصارف رفاهی- آموزشی از سوی دولت ها نیست بلکه به معنای بهبود مناسبات دیپلماتیک و در نتیجه افزایش سطح مبادلات تجاری میان کشورهای منطقه نیز هست که نهایتا به آزادسازی اقتصاد کمک می کند. خشکاندن ریشه های تروریسم داعش بیش از هر چیز در درجه نخست نیازمند شناسایی ریشه های شکل گیری و سپس حل آن است. یک جهان امن در درجه اول نیازمند خاورمیانه ای با ثبات و پیشرفته از لحاظ ثبات اجتماعی و اقتصادی است. همانطور که مطرح شد اکنون در خاورمیانه با حضور گروه تروریستی تکفیری داعش صلح (به معنی نبود جنگ، همزیستی مسالمت آمیز و حذف نابرابری های اجتماعی و ایجاد ثبات) در کنار مسائل داخلی آنها با چالش های جدی روبرو شده است و تا کنون یک ائتلاف بین المللی با حضور همه کشورهای درگیر برای مبارزه با داعش صورت نگرفته است.**

**نتیجه گیری**

**سئوال اساسی این پژوهش آن بود که تاثیر اقدامات گروه تروریستی داعش بر صلح در منطقه خاورمیانه چیست؟ صلح یعنی وجود حالتی که در آن آرامش وجود دارد؛ اما واقعیت ها نشان می دهد که هیچ تلاشی برای اتحاد و ائتلاف در میان کشورهای منطقه برای مبارزه با تروریسم خصوصا تروریسم داعش با این ابعاد گسترده نظامی و سیاسی صورت نگرفته است. از بهار عربی به این سو، عربستان سعودی به دامن زدن جنگ در یمن و بحرین اقدام کرده، مسئله فلسطین و اسرائیل هنوز حل نشده است. ترکیه در ابتدا به داعش برای گسترش نفوذ در سوریه کمک کرد و به همکاری با مخالفان دولت سوریه پرداخت و تنها زمانی که خطر این گروه تروریستی متوجه خود او شد به همکار های بین المللی محدودی برای نابودی داعش تن داد. تنها جمهوری اسلامی ایران است که به همکاری با عراق و سوریه برای نابودی داعش پرداخته است. اتحادیه اروپا هنوز به اجماعی برای مبارزه با یان گروه تروریستی نرسیده است. ایالات متحده آمریکا از حضور مستقیم در این کشورها اجتناب کرده، پس اقدامات گروه تروریستی داعش بر صلح در منطقه خاورمیانه تاثیر مثبتی نداشته است. به این معنا که منجر به اتحاد و ائتلاف و نزدیک شدن کشورهای منطقه در مقابل این بحران نشده است. ما حل این منازعه و بحران را در ایجاد یک ائتلاف مذهبی- منطقه ای می دانیم نه یک رویکرد بین المللی با حضور ابرقدرت ها که خود به افزایش تنش ها و اقدامات خشونت بار داعش دامن می زند. چرا که داعش موجودیت و وجود خود را متاثر از نفوذ ایالات متحده آمریکا و اسرائیل می داند و مقابله با غرب زدگی و اسلام زدایی را به عنوان اصل و اساس اقدامات خود در نظر گرفته است.**

**منابع و ماخذ:**

* آندرو، هی وود (1379)، **درآمدی بر ایدئولوژی سیاسی**، ترجمه ی احمد رفیعی**، تهران،** وزارت امورخارجه.
* بوتول، گاستون(1371)، **جامعه شناسی صلح**، ترجمه ی هوشنگ فر خجسته، تهران، نشر شیفته.
* سلیمانی، محمد باقر(1379)، **بازیگران روند صلح خاورمیانه**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
* قطب، السید(1360)، **زیر بنای صلح جهانی**، ترجمه ی سید هادی خسرو شاهی و زین العابدین قربانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
* ماه پیشانیان، مهسا(1390)، **مطالعات صلح مقدمه ای بر مفاهیم، گستره و نظریات، تهران، انتشارات خرسندی.**
* **ولفگانگ بندک، آلیس مانگوپولس(1389)، تروریسم و حقوق بشر، گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو،** ترجمه ی محمد جعفر ساعد، تهران، انتشارات دادگستر.
* **یونسیان، مجید(1385)،** کتاب خاورمیانه ویژه اصلاحات در خاورمیانه5**، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.**
* **وزارت فرهنگ و آموزش عالی پژوهشکده مطالعات راهبردی(1379)،**  امنیت در خاورمیانه(با گرایش خلیج فارس)**، تهران.**
* احمدی، حمید «جنبش های اسلامی و خشونت در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال دوازدهم، شماره 1، بهار 1384.
* اسدی، بیژن «نخبگان خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره 20-19، پاییز و زمستان 1378.
* اسماعیل زاده، حمزه علی «حضور داعش در افغانستان؛ ابعاد و پیامدها؛ گفت و گوی حمزه علی اسماعیل زاده با محمد تقی مصباح زاده»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال 17، شماره 66، شهریور 1395.
* السید، رضوان «فرهنگ اسلامی و فرهنگ صلح»، ترجمه ی مجید مرادی، **علوم سیاسی**، سال نهم، شماره 34، تابستان 1385.
* ایزدی، جهانبخش، اکبری، حمید رضا «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل**، سال نهم، شماره 35، پاییز 1395.
* بخشی شیخ احمد، مهدی «جهاد،؛ از ابن تیمیه تا بن لادن»، **علوم سیاسی**، سال نهم، شماره 34، تابستان 1385.
* برزگر، کیهان «خاورمیانه و تروریسم جدید»، **فصلنامه مطالعات بین المللی**،سال سوم، شماره 4، بهار 1386.
* پرتو، امین، کریمی، مصطفی «تاثیر انقلاب و ناآرامی در کشورهای عربی بر امنیت اسرائیل: نظر گاهی درونی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره55، سال پانزدهم، 1391.
* تسلر، مارک «اسلام و دموکراسی در خاورمیانه، تاثیر جهت گیری های مذهبی بر گرایش به سمت دموکراسی در چهار کشور عربی»، ترجمه ی مهدی حجت، **فصلنامه علوم سیاسی**، سال هشتم، شماره 29، بهار 1384.
* حسین پور مطلق، مهدی«امنیت دغدغه بی پایان خاورمیانه، بررسی تحولات ساختار امنیتی خاورمیانه در قرن بیست و یکم»، **روزنامه کارگزاران**، سال سوم، شماره 5.
* دیلم صالحی، بهروز«چالش ها و دموکراسی در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال دوازدهم، شماره 1، بهار 1384.
* سنایی، اردشیر، کاویانپور، مونا«ظهور داعش و تاثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین الملل،** سال نهم، شماره 34.
* سعد الدین، ابراهیم، آریایی نیا، مسعود «آزاد سازی و توسعه دموکراسی در جهان عرب»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال دوازدهم، شماره 41، بهار 1384.
* شهبازی، علی «پارادایم های تحلیلی در پدیداری داعش؛ با نگاهی به عواید داعش برای اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات منطقه ای اسرائیل شناسی- آمریکا شناسی**، سال هفدهم، شماره 60، خرداد 1395.
* علیخانی، علی اکبر «جنبش های اسلامی از دیدگاه راشد الغنوشی»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال دوازدهم، شماره 1، بهار 1384.
* فصیحی، ابوالفضل «دیدگاه حقوق اسلامی به تروریسم»، **پایگاه مطالعات تخصصی اینپا**، 1389.
* قاضی زاده، کاظم «جنگ و صلح از دیدگاه قرآن»، **علوم سیاسی**، شماره 34، سال نهم، تابستان 1385.
* میر ترابی، سعید «آمریکا و راهبرد ترویج دموکراسی در خاورمیانه»، فصلنامه **مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره 1، بهار 1384.**
* مهتدی، محمد علی «خاورمیانه و فرهنگ صلح»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه،** شماره 3-1، تابستان 1373.
* نافذ، احمد، تسلیمی، طلا «چرا جنگ با داعش محکوم به شکست است؟!»، **سایت دیپلماسی ایرانی**، دی1393.
* میریوسفی اول، علیرضا «**تناقضات راهبرد ضد داعش ایالات متحده آمریکا و موضوع همکاری با ایران»،** فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول، بهاره 1395.
* نبوی، عبدالامیر «اسلام سیاسی در مصر: گذار به حداقل گرایی سیاسی»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه،** سال دوازدهم، شماره 1، بهار 1384.
* نیاکوئی، سید امیر، ستوده، علی اصغر«**الگوی تقابل بازیگران بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در منازعات داخلی سوریه و عراق(2015-2011)،** فصلنامه مطالعات راهبرد**، سال بیست و پنجم، شماره 80، پاییز 1395.**
* هرسیج، حسین «رویکرد عمل گرایانه نئو محافظه کاران در سیاست خارجی آمریکا»، **فصلنامه مطالعات بین المللی، سال سوم، شماره 4، بهار 1386.**
* گزینه های استراتژیک آینده آمریکا در غرب آسیا(کانون تفکر سیاست خارجی)، **نامه آینده پژوهی**، شماره 34،تیر 1395.
* حملات تروریستی ترکیه و تاملی در پررنگ تر شدن نقش آسیای مرکزی در شاخه نظامی داعش، نوشته حسام حجت، 1 اسفند 1395www.tisri.org/default2343
* ترامپ با آمریکا و دنیا چه خواهد کرد؟ فکر کردن به آنچه فکر نکردنی است؟، احسان موحدی، 9 اسفند 1395.

 [www.tisri.org/defaul13328](http://www.tisri.org/defaul13328)

* بسترها و پیامدهای حمله به شیعیان عربستان، گفتگو با دکتر حسن هانی زاده، مرکز مطالعات صلح بین المللی، خرداد 1394.
* همانندی و تقاوت های نگاه ترکیه و آمریکا در بحران های خاورمیانه، گفتگو با دکتر رضا دهقانی، مرکز مطالعات صلح بین المللی، خرداد 1394.
* تغییر در نگاه آمریکا به گروه های تروریستی خاورمیانه، مهدی فاخری، مرکز مطالعات صلح بین الملل.

-Barash,David P,Webel,Charles P(2008),**Peace and Conflict Studies**,SAGE.

-Boghardt,Polotikin, Lori,(2016),**From ISIS to Activists:New security Trials in Saudi Arabia,** TheWashangton Institue, America.

-Forcey,Linda,(1989), **Peace:Meaning, Politics, Strategies,** NewYork:prager.

-Yee, Sienho(2004),**Towards an International Low of Co-progressiveness**,Martinus Nijhoff Publishers.

1. ). کارشناس ارشد روابط بین الملل fa.khani1440628@yahoo.com [↑](#footnote-ref-1)